ایران ورزشی

روزنامه ورزشی صبح ایران ■ صاحب امتیاز: خبرگزاری جمهوری اسلامی ■ تلفن: ۱۴-۸۸۵۰۴۱۱۳ ■ نمابر: ۸۴۷۱۱۱۷۳ ■ سازمان آگهی ها: ۱۸۷۷-۸۸۵۰۱۳۰۰-۸۸۷۴۶۵۸۳
■ انتشارات: ۵ و ۸۸۵۴۸۸۹۲ ■ امور مشترکین: ۸۸۷۴۸۰۰۰-۸۸۵۲۱۹۵۴ ■ نشانی: تهران، خیابان خرمشهر، شماره ۲۰۸ / صندوق پستی ۵۳۸۸-۱۵۸۷۵ ■ چاپ: ایرانیان

@iranvarzeshii

نظر خود را به این شماره پیامک کنید 3000 45 12 13

سه شنبه ۷ دی ۱۴۰۰- شماره ۶۹۳۶

WWW.INN.IR

info@inn.ir

نفر به نفر

سامان موحدی راد

سختگیری به امید اصلاح

نهنگی کف اقیانوس

خبر ناامیدکننده حذف دو تیم شاخص ایرانی از لیگ قهرمانان، اواخر هفته گذشته به ایران رسید و اگرچه هنوز به صورت رسمی اعلام نشده اما از نظر بسیاری کار از دست خارج شده و پایان کار همان است که پیش بینی می شد. درباره اینکه چرا چنین شده، حرف ها بسیار است اما حالا که در میانه میدان و وسط معرکه هستیم، دیگر فرصت نگاه به عقب نیست. چرا که اگر قرار بود نگاه به عقب و جویدن گذشته به ما کمک کند، تاکنون از آن درس ها گرفته بودیم و وضعیت مان این نبود اما اکنون کار از کار گذشته و دوراهه بیشتر پیش رو نداریم. روش اول کاری است که دهه ها قبل باید می کردیم. دو تیم را از دستگاه تنفس مصنوعی دولتی جدا کنیم و به بازار واقعی فوتبال بفرستیم. تیم ها خودشان برای خودشان درآمدزایی کنند و از آن پولی که از فوتبال درمی آورند برای خودشان خرج کنند. از این رو بسیاری معتقدند اگرچه این تصمیم گیری سخت و این جراحی دردناک است اما بهتر است هرچه زودتر صورت بگیرد و تیم های ایرانی را از وضعیت فعلی خارج کند. البته اگر بخواهیم با هم صادق باشیم، باید بدانیم که تیم ها زمانی می توانند واقعاً مستقل شوند و دولتی به حساب نیایند که همه سازوکارهای فوتبالی ما تغییر کند. یعنی تیم ها حق پخش واقعی دریافت کنند. سهم شان از تبلیغات محیطی به درستی پرداخت شود و عدد واقعی را دریافت کنند و اینکه راه های درآمدزایی واقعی برای آنها باز شود. چیزی که شبیه یک زلزله بزرگ در فوتبال ایران است. تاکنون که فوتبال ایران روش اول برخورد با این مسأله را پیش نگرفته و به سراغ روش دوم رفته. یعنی شبیه نهنگی که از کف اقیانوس هر از چندی به سطح آمده و نفسی گرفته و باز به کف اقیانوس رفته و به کار خودش مشغول شده!

تک به تک

میعاد نیک

پروژه عادی سازی یک حذف

خزان در زمستان

ترس و لرزی که همه ساله در موسم تأیید مجوز حرفه ای باشگاه های ایرانی برای شرکت در لیگ قهرمانان آسیا به پیکره مجموعه فوتبال ایران اعم از فدراسیون، سازمان لیگ، کمیته های به اصطلاح مستقل و باشگاه ها می افتاد و البته که پس از چند روز پرتنش و استرس زا به خیر و خوشی پایان می یافت، بالاخره روی سنگی و یخی اش را به فوتبال تماماً آماتور ایران نشان داد تا سرخابی ها در خطر جدی حذف قرار بگیرند. پروسه ای که مدت ها در حال انجام بود و مانند گوشتی به پوست آویزان مانده بود، بالاخره به انتها رسید و کنده شد تا رویه غیرحرفه ای فوتبال ایران در قاره کهن هم نمود پیدا کند.

شاید اینجا از همان نقاطی باشد که فقط باید به دنبال مقصرین باشیم تا با شناسایی آن ها، مجالی برای ورود خدمت گونه شان به هر نقطه از فوتبال ایران باقی نماند. از مدیران عامل پیشین و فعلی سرخابی ها که توانایی تغییر شرایط را نداشته و نمی توانستند جلوی دهان شان را بگیرند گرفته تا رؤسای سازمان لیگ و فدراسیون فوتبال و در پایان هم اعضای دائم المسئول کمیته های بدوی و استیناف صدور مجوز حرفه ای. شاید حالا بهتر بتوان از داریوش مصطفوی پرسید که مگر AFC نبود که چشم بسته امضای شما را قبول داشت؟ مگر کنفدراسیونی ها روی حرف شما حساب نمی کردند؟ پس این قسم حضرت عباس را باور کنیم یا دم خروسی که بیشتر از حد ممکن بیرون زده؟ اگر نگوییم مقصر اصلی، یکی از اصلی ترین مقصران همین افرادی هستند که سال ها در فوتبال ایران باقی مانده اند و در این رسوب شوم شان، مشغول باز کردن تشتک نوشابه برای مدیران قبلی و فعلی فدراسیون فوتبال هستند تا حتی یک روز بیشتر با نظرات ضدونقیض شان بر سپهر تیره فوتبال مملکت ابقا شوند. در عین چاره جویی برای حل مشکل و ایرادیابی، این بار وقتش رسیده که مقصرین را برای همیشه به چاه دوری از فوتبال منتقل کنیم تا لااقل هوا عوض شود؛ البته اگر اراده ای موجود باشد.

یادداشت

سلاطین پنالتی در لیگ برتر

جورجینیو با گل کردن دهمین پنالتی اش در سال ۲۰۲۱ در لیگ برتر از این نظر در تاریخ سطح اول فوتبال جزیره رکورددار شد. به عبارت بهتر در تاریخ لیگ برتر انگلیس هیچ بازیکنی در یک سال میلادی نتوانسته به اندازه جورجینیو (۱۰ پنالتی) ضربه پنالتی را به تور دروازه رقبا بچسباند. او فعلا زیر سایه این لیست ۱۰ نفره برترین پنالتی زنان تاریخ لیگ برتر قرار دارد. گزارش فوتبال ۳۶۰ را بخوانید:

آلن شیرر (۵۶)
بهترین گلزن تاریخ لیگ برتر انگلیس با گل کردن ۵۶ پنالتی از ۶۷ پنالتی زده شده، میانگین گل کردن ۸۳/۶ درصد پنالتی هایش در لیگ برتر را رقم زده و از این نظر رکورددار است.

فرانک لمپارد (۴۳)
اسطوره چلسی تنها ۷ پنالتی از مجموع ۵۰ پنالتی اش را از دست داد و در کسوت بهترین گلزن تاریخ باشگاهش، ۸۶ درصد پنالتی هایش را به تور دروازه رقبا چسباند.

استیون جرارد (۳۲)
جرارد سال ها کاپیتان و پنالتی زن اول تیمش بود و گل کردن ۳۲ پنالتی از مجموع ۴۱ پنالتی، میانگین گل کردن ۷۸ درصد پنالتی ها را برایش به ارمغان آورد.

متیو لی تیسیه (۲۵)
اسطوره ساوتهمپتون تنها به خاطر تعداد کمتر پنالتی ها نسبت به ۳ نفر بالاتر از خودش در جایگاه چهارم این لیست قرار دارد و گرنه در زمینه میانگین پنالتی موفق بدون هیچ تردیدی با اختلاف در رده اول است چون ۲۶ بار پشت پنالتی ایستاد و ۲۵ بار ضربه اش را به گل تبدیل کرد. این یعنی میانگین باورنکردنی گل کردن ۹۶/۲ درصد پنالتی ها!

سرخیو آگوئرو (۲۴)
خالق تراژیک ترین لحظه تاریخ لیگ برتر انگلیس، چند سال پنالتی زن اول تیمش بود و در این مدت ۲۴ پنالتی از ۲۸ پنالتی اش را به تور چسباند. میانگین او عدد ۸۵ درصد بود.

وین رونی (۲۳)
بهترین گلزن تاریخ تیم ملی انگلیس در اورتون و منچستریونایتد ۳۱ بار پشت پنالتی ایستاد و ۲۳ بار موفق بود. این یعنی میانگین ۷۴/۱ درصد پنالتی موفق!

تیری آنری (۲۳)
اسطوره آرسنال فقط ۲ بار در گل کردن پنالتی ناکام ماند و ۲۳ بار از روی نقطه پنالتی، هواداران تیمش را شاد کرد. یکی از تنها ۲ پنالتی از دست رفته او، همان پنالتی دوضرب معروف با پیرس است!

مارک نوبل (۲۲)
کاپیتان وستهام از زمان انجام اولین بازی برای تیمش در سال ۲۰۰۵، پنالتی زن اول لندنی ها نام دارد و تا به حال ۲۲ بار از طریق این ضربه چکش ها را به گل رسانده است.

دیوید آنسورث (۲۲)
مدافع سابق وستهام، استون ویلا و اورتون، ۲۲ پنالتی از مجموع ۲۶ پنالتی دوران حضورش در لیگ برتر را به تور دروازه چسباند و میانگین ۸۴/۶ درصد پنالتی موفق را از خودش به جا گذاشت.

لیتون بینس (۲۰)
لیتون بینس ۲۲ بار از فاصله ۱۲ باردی پشت ضربه ایستاد و ۲۰ گل از این طریق به ثمر رساند؛ میانگین ۹۰/۰۹ پنالتی موفق.

طنزیم

هومن جعفری

اینتگریتی و اونتگریتی

بوی حذف از آسیا همه جا را گرفته! استقلال و پرسپولیس از آسیا حذف می شوند و همه مدیران این دو باشگاه در سال های قبل یا آدم هایی که در فدراسیون فوتبال یا سازمان لیگ در سال های اخیر فرصت داشتند تا مشکلات و موانع را حل کنند و نکردند، در این قصه شریکند! کاش دقیقه نود فرجی بشود اما اصل قصه اینجاست که باید باور کنیم نمی شود!

پریروز: قرارداد اسکوچیچ ریالی است!
دیروز: قرارداد اسکوچیچ ریالی است!
فردا: قرارداد اسکوچیچ ریالی است!
پس فردا: قرارداد اسکوچیچ ریالی است!
ماه بعد: قرارداد اسکوچیچ ریالی است!
سال بعد: قرارداد اسکوچیچ ریالی است!
فیفا بعد از شکایت اسکوچیچ: ایران باید ده میلیون دلار غرامت بدهد!
نتیجه اخلاقی: دیدیم که می گیم!

این چند سطر روایت کنفرانس مطبوعاتی منصوریان را بخوانید: «علیرضا منصوریان بحث را سپس به سمت مجادله اش با داور چهارم در کنار خط برد و جملات جالبی را در این زمینه مطرح کرد؛ او گفت در لحظه ای از بازی به بازیکن تیمش که توپی را از دست داده به او گفته است «بی شعور». منصوریان گفت: «من در واکنش به حرکت بازیکن خودم کلمه بی شعور را به زبان آوردم و دیدم که کمک داور بلافاصله به داور اصلی بی سیم زد و گفت این به بازیکنش توهین کرده و بیایید او را جریمه کنید. من خواهش دوستانه و برادرانه ام از کمیته داوران این است که داوران چهارم را توجیه کند، آدم هایی هستند که انگار می خواهند در کادر قرار بگیرند و با این کارها مطرح شوند.»

متوجه شدید؟ مربی ما حتی نمی تواند به بازیکن خودش بگوید بی شعور! بابا این سوسول بازی ها چیست؟ علی آقا پروین تصمیم بگیرد به فوتبال برگردد که به قول آقای نصیرزاده اینتگریتی و اونتگریتی و یکپارچگی جدول به هم می خورد که!

سوژه روز

سرخابی ها روی لبه تیغ

کارد به بیخ گلو رسیده. مثل یک محکوم به مرگ که ساعات پایانی زندگی را می گذراند و تنها برای نوشتن یک وصیتنامه و حلالیت طلبیدن فرصت دارد. اما در این ساعات نحس و تلخ، محکوم کماکان امیدوار است تا با عفو زندگی دوباره پیدا کند. پرسپولیس و استقلال دو باشگاه سنتی و ریشه دار ایران حالا در این برزخ به سر می برند؛ برزخی میان مرگ و زندگی که البته احتمال مرگ در آن بسیار بیشتر است. عدم صدور مجوز حرفه ای دو باشگاه بواسطه مشکلات متعدد و ریشه ای حالا سرخابی ها را به یک قدمی حذف از آسیا رسانده. کوه مشکلاتی که به اندازه ای ریشه ای و بزرگ است که برای حل آن شاید ماه ها و حتی سال ها فرصت نیاز باشد. مشکلاتی نظیر مالکیت، بحران های مالی، بدهی ها و نواقص زیرساختی باشگاه ها نه تنها احتمالاً در یک سال قابل حل نباشند، بلکه اراده قاطعی نیز برای رفع آنها دیده نمی شود. پرونده امروز به این سوژه می پردازد.

گزارش یک

سام ستارزاده

پرونده

بحران در لیگ

آتش زیر خاکستر

حذف سرخابی های پایتخت از لیگ قهرمانان آسیا، یک رویداد غیرمنتظره که ما را با بهت و ناباوری مواجه کند، نبود؛ بلکه مانند آتشی که زیر خاکستر پنهان شده و تقدیر فوتبالی بود که سال هاست پاک کردن صورت مسأله را به حل وفصل آن ترجیح داده. مسئولیت آنی پیشآمد نیز صرفاً با یک فدراسیون، یک کمیته، یا دو هیأت مدیره که از روی کار آمدن آنان یک سال هم نمی گذرد، نیست. مدیران پرشماری که تا روز آخر حضورشان در هر یک از سازمان های مرجع فوتبال ایران سیلاب انتقادات را به جان خریدند و سپس به باد فراموشی سپرده شده اند، بیش از میهمانان کنونی برنامه های ورزشی رسانه ها در حفظ ساختار فوتبال باشگاهی کشور که به صراحت مغایر با معیارهای کنفدراسیون AFC است، کوشیدند.

ما سال هاست از مدیران عالی رتبه ورزشی کشور می شنویم که «ساختار فوتبال ما غلط است و نیاز به اصلاح دارد» اما پاسخی به این پرسش دریافت نمی کنیم که ساختار صحیح باشگاهداری در فوتبال چگونه است و چه المان هایی دارد. ایراداتی که AFC از مدارک ارسالی استقلال و پرسپولیس گرفته، بخشی از این پاسخ را در بر می گیرد: تدوین چارت مدیریتی برای باشگاه، پیش بینی راه های متنوع برای درآمدزایی، محاسبه دخل و خرج سالانه و ثبت تراز مالی مثبت، در اختیار داشتن ورزشگاه و زمین تمرین اختصاصی و آکادمی های پویا و سازمان یافته پرورش بازیکن که در سطوح گوناگون پایه مشغول به فعالیت هستند.

بحث های کوچک و پیش پا افتاده که برای توجیه حذفی احتمالی سرخابی ها از لیگ قهرمانان ۲۰۲۲ در فضای مجازی مطرح می شوند، سرپوش بزرگی بر نقصان هایی است که در اغلب نمایندگان لیگ برتر دیده می شوند. بحث، تنها بحث استقلال، پرسپولیس و گل گهر نیست. ۷ باشگاه لیگ برتری دیگر حتی برای کسب مجوز حرفه ای از سوی کنفدراسیون AFC اقدام نکرده اند. از میان ۶ باشگاه دیگر، تنها ۳ باشگاه (از جمله سپاهان و فولاد) موفق به دریافت این مجوز شده اند. این یعنی، بحرانی که وجهه بین المللی استقلال و پرسپولیس را خدشه دار کرده، نه بحرانی مختص به این دو باشگاه، بلکه بحرانی متعلق به بیش از ۶۰ درصد تیم های لیگ است.

موانع سر راه بسیاری از باشگاه های لیگ برتری اگر قرار باشد در کمال صداقت رفع گردند، به بیش از یک سال زمان نیاز دارند. بسیاری از باشگاه های لیگ مالک ورزشگاه اختصاصی نیستند و حتی برخی از آنان (نظیر نساجی و مس رفسنجان) در طول فصل جاری به دلیل نبود ورزشگاه آماده در شهر خود، ناچار شدند از برخی از رقبایشان در شهرستان ثالث میزبانی کنند. در همین هفته جاری، پنجره نقل وانتقالاتی باشگاه های تراکتور و ذوب آهن به علت شکایت خارجی ها بسته شده است.

به نظر می رسد مشکلات مالکیت، بحران های مالی و نواقص زیرساختی باشگاه ها نه تنها احتمالاً در یک سال قابل حل نباشند، بلکه اراده قاطعی نیز برای رفع آنان دیده نمی شود. به عنوان نمونه، جذاب ترین واکنش مدیران ورزشی به حذف جنجالی سرخابی ها، وعده واگذاری بخشی از سهام دو باشگاه محبوب در بورس تا بهمن ماه بود؛ وعده ای که از ابتدای سال گذشته مکرراً به فوتبال دوستان داده می شود. حتی اگر معجزه ای صورت گیرد و قرمزها و آبی های تهران را در لیگ قهرمانان فصل پیش رو ببینیم، این سؤال بی پاسخ باقی می ماند که آیا سران فدراسیون، مدیران باشگاه ها و سایر مدیران مربوطه به قدری به بحث دریافت مجوز حرفه ای اهمیت نشان می دهند که از همین فردا برای اصلاح کاستی های باشگاه ها بکوشند؟ آیا به عقیده شما مدیران فوتبال به اندازه ای قابل اعتماد هستند که پاسخ این پرسش مثبت باشد؟

ما سال هاست از مدیران عالی رتبه ورزشی کشور می شنویم که «ساختار فوتبال ما غلط است و نیاز به اصلاح دارد» اما پاسخی به این پرسش دریافت نمی کنیم که ساختار صحیح باشگاهداری در فوتبال چگونه است و چه المان هایی دارد. ایراداتی که AFC از مدارک ارسالی استقلال و پرسپولیس گرفته، بخشی از این پاسخ را در بر می گیرد

سوژه روز

علی بابازاده

سیتی، صدرنشینی جزیره و تحقیر لستر

آیا گواردیولا بهترین مربی جهان است؟

برای درهم شکستنِ لسترِ راجرز تنها به ۲۵ دقیقه زمان نیاز بود؛ این بردِ ۶ بر ۳ سیتیزن ها را با ۴۷ امتیاز در صدر جدول لیگ برتر انگلستان نگه داشت و باز این سؤال را بوجود آورد که آیا پپ گواردیولا بهترین مربی حال حاضر جهان است؟

«هدف ما ساخت یک هویتِ همیشگی برای باشگاه است. انتخابِ او یک اتفاق کلیدی برای سیتی بود زیرا ما معلم «سبک نوینِ فوتبال» را به خدمت گرفتیم.

سیتی در آینده یادگارهای زیادی از پپ خواهد داشت و نمی توان او را فقط با جام هایش قضاوت کرد!»

صحبت های برایان مارووود مدیر اجرایی باشگاه منچسترسیتی نشان از آن دارد که سیتیزن ها بدون توجه به شایعات کماکان مربی سابق بارسلونا و بایرن مونیخ را بهترین گزینه برای رسیدن به اهداف شان می دانند.

چینش هاو تاکتیک های متفاوت گواردیولا شاید در بعضی از موارد آن طور که باید موفق به حساب نیامده اما در کارنامه مربیگری او تصمیم های دیگری نیز وجود دارند که در بین اهالی فوتبال «معرکه» خطاب شده اند.

پپ در مونیخ از یاشوا کیمیش و داوید آلابا به عنوان مدافعان وسط و یا هافبک تدافعی استفاده می کرد و این همان تصمیمی بود که هانسی فلیک را هم به تقلید از آن وا داشت. انتقال فیلیپ لام از خط دفاع به خط میانی نشان داد که پپ سنت شکنی را به خوبی فرا گرفته و بعدها چنین تصمیمی را در جمع سیتیزن ها نیز تکرار کرد. تصورات بر این بود که استفاده از فرناندینیو در قلب خط دفاعی یک ایده از پیش شکست خورده باشد اما اینگونه نبود؛ هافبک برزیلی در پست جدید خود درخشید و فضا را برای روی کار آمدن گوندوگان، برناردو سیلوا و ریاض محرز فراهم کرد.

سیتی با مانوئل پیگرینی و روبرتو مانچینی مجدداً پا در جمع بزرگان گذاشت و این مهم جز با خرید بازیکنان رانده شده سایر غول ها امکان پذیر نبود؛ گائل کلیچی، روبینیو، پابلو زابالتا، استفان آیرلند، شون رایت فیلیپس، الانو و کریگ بلیمی تنها بخشی از نفراتی بودند که نوع نگاه شان به منچسترسیتی، همچون نگاه بازیکنان پا به سن گذاشته امروزی به لیگ MLS بود! منچسترسیتی تحت سلطه پپ از این دوران عبور کرده و حتی رفتن گواردیولا نیز مانع پیشرفت بازیکنان جوان سیتیزن ها نخواهد شد؛ روبن دیاز، رودری و الکساندر زینچنکو از شاخص ترین بازیکنان جوان لیگ برتر انگلیس به حساب می آیند و فیل فودن، پا را از این هم فراتر گذاشته و مشتریانی به مانند رئال مادرید دارد.

با این همه وجهه منفی میراث پپ نیز قابل بحث است. او سرمربی آماده ترین بارسلونای ۲۰ سال اخیر بود و چگونه می توان نقش ژاوی، مسی، اینیستا، داوید ویا و پویول را در کسب ۳ گانه و جام های مختلف انکار کرد؟ پیشتر در منچسترسیتی برای جذب ادرسون و کلودیو براوو باشگاه بیشتر از ۵۰ میلیون یورو هزینه کرد و مدافعان گرانقیمت حال حاضر جهان در اختیار پپ هستند؛ از بنجامین مندی بازداشت شده تا کایل واکر، ناتان آکه و جان استونز!

گواردیولا از انتقادات بی خبر نیست و ولخرجی های سالیان گذشته هم راه را برای انتقادهای بیشتر باز کرده.

او برای قهرمان کردن بایرن مونیخ در اروپا به آلمان رفت که در این امر ناکام ماند و کیست که نداند قهرمانی در بوندس لیگا خواسته اصلی مدیران مونیخی نبود.

انتظارات از مرد اسپانیایی به طرز شگفت آوری بالا رفته و هواداران تیم آبی پوش شهر منچستر تنها خواهان فتح لیگ قهرمانان هستند.

معیار موفقیت بر اساس تصاحب چمپیونز لیگ است پس آیا کار پپ گواردیولا به عنوان یک مربی موفق به پایان رسیده؟

۱۰ سال از آخرین قهرمانی اروپایی گواردیولا گذشته و برای جواب دادن به این سؤال تنها یک راه وجود دارد؛ پپ در کنار قهرمانی احتمالی جزیره، باید ثابت کند که بدون مسی، ژاوی و اینیستا هم قادر به فتح UCL هست!

۱۰ سال از آخرین قهرمانی اروپایی گواردیولا گذشته و برای جواب دادن به این سؤال تنها یک راه وجود دارد؛ پپ در کنار قهرمانی احتمالی جزیره، باید ثابت کند که بدون مسی، ژاوی و اینیستا هم قادر به فتح UCL هست!

پنالتی

مازیار گیلکان

سختگیری برای همه نه فقط استقلال و پرسپولیس

حذف استقلال و پرسپولیس از لیگ قهرمانان آسیا اتفاق ناگواری است که می توانست در تمام سال های اخیر رخ دهد اما همیشه منتظر می مانیم تا بدترین تصمیم گرفته شود و آنگاه راه فراری را راه حل را پیدا کنیم. راه فرار در دقیقه ۹۰ همیشه پیدا نمی شود.

استقلال و پرسپولیس و بسیاری از باشگاه های دیگر در لیگ برتر و لیگ های دیگر، با بدهی های انباشته سر می کنند، مشکلات مالکیتی دارند، بی تعهد در پرداخت بدهی ها هستند و ساختار مالکیت و اداری و مالی خود را طی سال های سال اصلاح نمی کنند. تصور می کنند فوتبال فقط بازی پیش رو است و باید آن را پشت سر بگذارند.

این سیاق باشگاهداری همیشه نمی تواند ادامه داشته باشد. امروز به جایی رسیده ایم که با روش های پیشین نمی توان ادامه داد و راهی جز اصلاح اساسی ساختار باشگاهداری پیدا نمی شود.

مسأله فوتبال ایران فقط حذف استقلال و پرسپولیس نیست. بسیاری از باشگاه های دیگر نیز مشکلاتی شبیه به استقلال و پرسپولیس دارند. هم بدهی های انباشته و هم مالکیت دولتی یا شبه دولتی.

آنها نیز در خطر لغو مجوز حرفه ای هستند اما چون به چشم نمی آیند، خبری از لغو مجوز آنها نیست.

در لیگ دسته اول و دسته دوم پرشمار باشگاه های بی تعهد داریم که مطالبات بازیکنان و مربیان خود را نمی پردازند اما همواره با این باشگاه ها مماشات می شود تا بتوانند در لیگ حضور داشته باشند.

اصلاح ساختار باشگاهداری در ایران فقط نباید در استقلال و پرسپولیس اتفاق بیفتد. وقتی با فوتبال حرفه ای در ایران مواجه می شویم که قوانین سختگیرانه برای همه باشگاه ها، منجر به تغییر نگرش در باشگاهداری شود. نه فقط در دو تیم، بلکه در همه تیم ها، در کوچک ترین تیم ها حتی در لیگ استان ها.

وظیفه این سختگیری و اجرای قوانین بر عهده فدراسیون فوتبال و سازمان لیگ است و البته کمیته انضباطی و استیناف باید در مورد پرونده شکایت های مالی با باشگاه ها سختگیرانه رفتار کنند.

این سختگیری باعث می شود ساختار مالی باشگاه ها خود را اصلاح کنند و بدهی روی بدهی نگذارند.

باشگاه بدهکار یاد می گیرد که به اندازه توان مالی واقعی خود هزینه کند و می فهمد که اجازه ندارد برای آینده بدهی بیشتر به جا بگذارد.

تا روزی که این سختگیری همه گیر نباشد، بعید است قدمی واقعی و بنیادی برای تغییر در مسیر باشگاهداری برداشته شود.

کاریکاتور

امسال رقابت داغی برای گرفتن کفش طلای فوتبال اروپا در جریان است. لواندوفسکی با زدن ۱۹ گل مدعی همیشگی این عنوان است و پاتریک شیک و دوشان ولاهوویچ هم با زدن ۱۶ گل در تعقیبش هستند. محمد صلاح هم ۱۵ گل به ثمر رسانده. به نظر می رسد این جایزه مهم این بار به اسلحه لهستانی برسد.

در چنین روزی

مجتبی رفیعی

هفت سال پیش در چنین روزی روزنامه ایران ورزشی تیتر نخست خود را به کسب مدال طلای رضا یزدانی نماینده ایران در وزن ۹۷ کیلوگرم برای کاروان کشتی ایران اختصاص داده بود: «هت تریک!» یزدانی در بازی های ۲۰۰۶ دوحه و ۲۰۱۰ گوانگ ژو دو مدال طلا از این بازی ها کسب کرده بود و طبیعی بود که در این بازی ها به دنبال سومین مدال طلای خود باشد تا تبدیل به یکی از برترین ها در این بازی ها شود. در مطلبی به قلم محسن وظیفه می خوانیم: «یزدانی با یک ناکامی بزرگ و عجیب از مسابقات جهانی ازبکستان راهی اینچئون شده بود و به نظر می رسید که نتواند همانند همیشه کشتی بگیرد. او برای اولین بار بود که در یک دوره از مسابقات جهانی حاضر می شد و با یک ناکامی بزرگ آوردگاه جهانی را ترک می کرد و به همین دلیل به لحاظ روحی و روانی در شرایط ایده آلی قرار نداشت.» برای خواندن این مطلب به آرشیو روزنامه ایران ورزشی مراجعه کنید.